

مثل چیست؟

- مثل، سخن کوتاه و مشهوری است که به قصه‌ای عبرت‌آمیز یا گفتاری نکته‌آموز اشاره می‌کند.
 - کلمه «مثل» عربی است و کلمه فارسی آن «مَثَل» است.
 - ضرب‌المثل یک ترکیب عربی است به معنای مثل زدن.
 - در همه زبان‌های دنیا ضرب‌المثل فراوان است.
 - در زبان فارسی نیز ده‌ها هزار ضرب‌المثل وجود دارد.
- مثل چه فایده‌ای دارد؟**
- دانشمندان برای شناخت رومیات و اطلاق گذشتگان، از مثل‌ها استفاده می‌کنند.
 - مثل‌ها گفتن و نوشتن را آسان می‌کنند، چون این جمله‌ها کوتاه و زیبا هستند و بر دل می‌نشینند و گفت‌وگوی دواز را کوتاه می‌کنند و اگر در جای خود استفاده شوند، اثر سخن بیشتر می‌کند.

از کتاب قصه‌های تازه اثر کتاب‌های کهن

خیاط هم در کوزه افتاد

در روزگار قدیم خیاطی بود که دکانش سر راه گورستان قرار داشت. وقتی کسی می‌مرد و او را به گورستان می‌بردند از جلوی دکان خیاط می‌گذشتند. خیاط با خودش فکر کرد که هر ماه تعداد مردگان را بشمارد و چون سواد نداشت کوزه‌ای به دیوار آویزان کرد و یک مشت سنگ ریزه پهلوی آن گذاشت.

پس هر وقت جنازهای را به گورستان می‌بردند یک سنگ داخل کوزه می‌انداخت و آخر ماه کوزه را خالی می‌کرد و سنگ‌ها را می‌شمرد. کم‌کم بقیه دوستانش این موضوع را فهمیدند و هر وقت خیاط را می‌دیدند از او می‌پرسیدند چه خبر؟ خیاط هم، مثلاً می‌گفت: امروز سه نفر توی کوزه افتادند. روزها گذشت؛ تا این‌که خیاط مرد. یک روز مردی که از فوت خیاط اطلاعی نداشت به دکان او رفت و مغازه را بسته یافت. از همسایه پرسید: خیاط کجاست؟

همسایه به او گفت: خیاط هم در کوزه افتاد! از آن وقت این حرف ضرب‌المثل شده و وقتی کسی به بلایی دچار می‌شود که بیش از آن خودش را از آن مصون می‌دید، می‌گویند: «خیاط در کوزه افتاد».

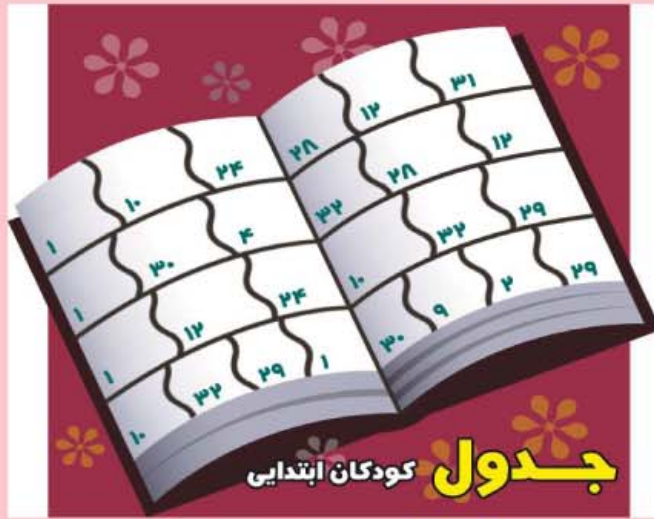
قصه

دانه کوچولو

سال‌ها پیش، کشاورزی، یک کیسه بزرگ بذر را برای فروش به شهر می‌برد. ناگهان چرخ گاری به یک سنگ بزرگ برخورد کرد و یکی از دانه‌های توی کیسه روی زمین خشک و گرم افتاد. دانه ترسید و پیش خودش گفت: من فقط زیر خاک در امان هستم. گاوی که از آن‌جا عبور می‌کرد پایش را روی دانه گذاشت و آن را به داخل خاک فرو برد. دانه گفت: من نشسته هستم، من به کمی آب برای رشد و بزرگ‌شدن احتیاج دارم. کم‌کم باران شروع به باریدن کرد. صبح روز بعد دانه یک جوانه کوچولوی سبز درآورد. جوانه تمام روز زیر نور خورشید نشست و قدش بلند و بلندتر شد. روز بعد اولین برگش درآمد. این برگ کمک کرد تا نور خورشید بیشتری را بگیرد و بزرگ‌تر شود. یک روز غروب، پرندهای گرسنه خواست آن را بخورد، اما ریشه‌های دانه آن را محکم در خاک نگه داشتند. سال‌ها گذشت و دانه آب باران زیادی خورد و مدت‌های زیادی در زیر نور خورشید نشست تا این‌که کم‌کم درخت کوچکی شد و بعد به درخت بزرگی تبدیل شد. حالا وقتی شما به کوه و دشت می‌روید، درخت قوی و بزرگی را می‌بینید که خودش دانه‌های بسیاری دارد.

بچه‌های خوب سلام

آیا می‌دانید این کتاب چه پیامی می‌خواهد به شما بدهد؟ برای رسیدن به پیام کافی است که حروف الفبای فارسی را به کمک اعداد در جای خود قرار دهید. با انجام این کار شما پیامی را به دست می‌آورید که انجام آن همیشه و مخصوصاً در ماه مبارک رمضان بسیار ثواب دارد. امیدوارم وقتی پیام را به دست آوردید، در ماه مبارک رمضان به آن عمل کنید.



جدول کودکان ابتدایی

دانش‌آموزان ممتاز



◀ نرگس شکراللهی



◀ حسین صدرایی عارف



◀ زهراسادات رضوی



◀ مصطفی سعیدی

والدین گرامی: برای انتشار تصاویر دانش‌آموزان ممتازتان، تصویر آن‌ها را به همراه کپی کارنامه از طریق صندوق پستی ۴۳۸۱-۳۷۱۸۵ برای ما ارسال نمایید.

نماز

شعر

پیش از طلوع خورشید
وقتی سپیده سر زد
وقتی پرندۀ شب
از باغ خانه پر زد

برقاستم من از فواید
رفتم وضو گرفتم
دست دعا کشودم
یاری از او گرفتم

از پشت باغ مسجدم
آمد نوای تومید
بار دگر به دل‌ها
نور نشاط بفشید

من جانماز خود را
آهسته باز کردم
آنگاه با قدایم
راز و نیاز کردم



شهاد مقدس